

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

بحث در مرحله تحقیق است؛ ما در مورد حجیت ظواهر قرآن داشتیم بحث می کردیم؛ نظر اخباری ها را از مرحوم استرآبادی نقل کردیم و سپس نظر صاحب حدائق را از اخباری ها نقل کردیم. نکته ای که در کلام صاحب حدائق بود عبارت بود از، توجه به کلمات اصولیین، در حالی که در کلمات استرآبادی این نبود. مرحوم بحرانی اشاره می کند بر روایات دال بر عرضه بر کتاب، و از جانب اصولیین استدلال می کند به اینکه کتاب معیار است و لذا روایات با او سنجیده می شود... وی در ادامه پاسخ اصولیین را می دهد و می فرماید در بحث عرضه، ما دو روایت داریم که یکی موافق قرآن و دیگری مخالف قرآن است و روایت موافق در واقع قرآن را تفسیر می کند و لذا می شود به ظاهر آیه قرآن عمل کرد.

صاحب حدائق می فرماید: از جمله ادله اصولی ها، برخی از آیات قرآن است:

* و نزلنا الیک الكتاب تبیاناً لکل شیء... وجه استدلال: وقتی قرآن تبیاناً لکل شیء است (مبین است) چطور نیازمند به مفسر و مبین است؟

* ما فرطنا فی الكتاب من شیء... ما در کتاب هیچ چیز کم نگذاشتیم؛ اگر این قرآن نیازمند به مفسر و مبین باشد این خود کوتاهی و تفریط است.

* لعلمه الذین یتنبطونه... در یتنبطون، قید ائمه را که ندارد و لذا هرکسی که بخواهد استنباط از قرآن کند را شامل میشود.
* أ فلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب افعالها... مسلم فاعل یتدبرون ائمه نیستند چرا که لسان، لسان ملامت است و لذا فاعل مردم هستند؛ اگر قرآن قابل فهم برای مردم نباشد دعوت به تدبر چه معنایی دارد؟

مرحوم صاحب حدائق پاسخ می دهد: اما دو آیه اول: ما هم قبول داریم قرآن تبیان است و کامل است؛ اما از کجا می گوئید قرآن بنفسه تبیان است؛ بلکه قرآن نهاد مفسر را معرفی کرده است مانند آیه ای که می گوید لا یعلم تاویلہ الا الله و الراسخون فی العلم... و لذا قرآن به همراه نهاد مفسر تبیان کل شیء است.

اما آیه سوم: اتفاقاً در ذیل این آیه روایاتی داریم که مستنبط را معرفی کرده است و معصومین را به عنوان مستنبط معرفی کرده است.

آیه چهارم: ما منکر تدبر در قرآن نیستیم و لذا مردم هرچه دلشان می خواهد راجع به آیات وعد و وعید، بهشت و جهنم و... تدبر کنند اما اینکه ظاهر آیات را بگیرد و بدون مراجعه به معصوم استنباط احکام بکنند را ما قبول نداریم.
اما جمع بندی صاحب حدائق: حرف من حرف شیخ طوسی است؛ ایشان قرآن را 4 قسم کرده است و فرموده مراد خداوند از قرآن 4 قسم است:

برخی لا یعلمه الا الله... مثل آیات وقت قیامت و علم به ارحام و... این قسم را حتی پیامبر هم نمی داند.

برخی آیات، ظاهری قابل فهم برای همگان دارد مانند قل هو الله احد و... . قسم سوم آنجایی است که مجمل است مثل عموم آیات الاحکام مانند: یا ایها الذین آمنوا اقیموا الصلاة.

قسم چهارم: برخی آیات، چند معنا دارد و لذا نمی شود فهمید کدام معنا مراد است مانند آیه حتی یطهرن...

ما قسم دوم را قبول داریم. (به عنوان نماینده اخباری ها می گوید)

استاد علیدوست: به نظر ما کلام صاحب حدائق صدر و ذیلش با هم سازگاری ندارد؛ ایشان وقتی داخل بحث شد فرمود

اخباری ها سه گروه هستند 1: افراطی: مثل فیض کاشانی، که مثل امام معصوم قرآن را تفسیر می کند. 2: تفریطی مثل

استرآبادی. 3: معتدل: مثل خودم. (صاحب حدائق)

وارد بحث که می شود می گوید دلالت روایات بر استفاده از آیات متعارض است؛ برخی روایات دلالت می کنند بر منع و برخی روایات دلالت بر جواز دارند اما اخبار منع اکثر دلالتا و اکثر عدداً است؛ از جمله اخبار منع، حدیث ثقلین است... لن یفترقا حتی یردا علی الحوض... و لذا اگر یک مورد هم به قرآن تمسک کنید بدون رجوع به اهل بیت شما افتراق بین این دو ثقل ایجاد کرده اید؛ با این بیان ایشان هم جزء تفریطی ها قرار می گیرد و لذا کلام ایشان که خود را معتدل می داند درست نیست.

نکته: دوستان به خود عبارات صاحب حدائق رجوع کنید و ببینید آیا صدر و ذیل کلام ایشان هماهنگ هست یا نه؟

نکته بعد: اخباری ها معتقد هستند که تمام ادله اصولی ها را پاسخ داده اند پس کسی گمان نکند که آنها ادله اصولی ها را ندیده اند. نکته سوم: از کلمات استرآبادی منع صغری و کبری برداشت می شود اما از کلمات صاحب حدائق منع صغری برداشت می شود.

استاد علیدوست: به نظر ما کلام صاحب حدائق در منع صغری بهتر از کلام استرآبادی است. استاد علیدوست: اگر ما ادعای صاحب حدائق را قبول کنیم (معتدل بودن) و موضع ایروانی را هم قبول کنیم (که برخی ادله اخباری ها را وارد دانست) متوجه می شویم که، نه همه اخباری ها منکر حجیت قرآن هستند و نه همه اصولی ها مدافع حجیت ظواهر قرآن هستند.

الحمد لله رب العالمین